

تبیین جامعه‌شناختی نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج سفید: کاربست نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز

مقاله علمی پژوهشی

اکبر علیوردی‌نیا^۱، سیده‌المیرا اوصیا^۲، هادی عباسی کلان^۳

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۵۱۲-۷۸۳۹

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۰۰۰۹-۰۰۰۵-۶۵۵۵-۰۹۳X

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۰۰۰۹-۰۰۰۵-۲۵۰۴-۴۹۹۵

چکیده

با توجه به گسترش ازدواج سفید به عنوان مسئله‌ای اجتماعی، این تحقیق با استفاده از نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز به بررسی این پدیده در میان ۲۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران پرداخته است. نظریه پیش‌گفته، احتمال وقوع رفتار مجرمانه یا همنوایی را تابعی از تعادل این تأثیرات بر رفتار می‌داند. یافته‌ها نشان داد در مجموع حدود یک‌پنجم از کل نمونه تحقیق به لحاظ نگرشی با ازدواج سفید مخالف، حدود نیمی بینابین و حدود یک‌سوم موافق هستند. از منظر نگرشی، تفاوت معناداری میان دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد؛ اما از بُعد رفتاری، دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر ازدواج سفید (داشتن رابطه بدون تعهد) را تجربه کرده‌اند. همچنین، طبق نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه، متغیر میزان پیوند افتراقی بر ابعاد شناختی و رفتاری، متغیر میزان تقویت افتراقی بر ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری و متغیر میزان تقلید نیز بر بُعد عاطفی نگرش به ازدواج سفید تأثیر معنادار دارد. بنابراین، دانشجویانی که در معرض پیوند و تقویت افتراقی قرار می‌گیرند، نگرش مساعدتری به ازدواج سفید و درگیر شدن در تجربه آن دارند. در واقع، نگرش مساعد یا نامساعد نسبت به ازدواج سفید، به پاداش‌ها و مجازات‌های ادراکی بستگی دارد؛ از این‌رو هرچه ارزش، دفعات و احتمال پاداش برای یک رفتار اجتماعی بیشتر باشد، احتمال وقوع و تکرار آن بیشتر است و برعکس. چون در بافت فرهنگی و دینی ایران، تبعات منفی ازدواج سفید (از قبیل احتمال بارداری ناخواسته، سقط جنین، احتمال بالای مرگ‌ومیر مادران در سقط‌های زیرزمینی، خشونت فیزیکی و روانی، عدم حمایت قانونی و...) برای دختران بیشتر از پسران است، از این‌رو دانشجویان دختر کمتر از دانشجویان پسر به ازدواج سفید روی می‌آورند.

واژگان کلیدی: ازدواج سفید، یادگیری اجتماعی، پیوند افتراقی، تقویت افتراقی، تقلید.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول) / aliverdinia@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران / elmira.osiya@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران / hadi137030@yahoo.com



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۰



دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۲۵۲ تا ۲۸۷

ISSN: 2476-6933/ © Kharazmi University

The Explanation of Students' Attitude toward Cohabitation: An Application of Akers' Social Learning Theory

Akbar Aliverdinia (corresponding author)

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (aliverdinia@umz.ac.ir)

Elmira Osiya

M.A. in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (elmira.osiya@gmail.com)

Hadi Abbasi Kalan

PhD Student in Sociology of Social Problems, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (hadi137030@yahoo.com)

Research Article

Abstract

Living together without formal marriage, which is called cohabitation, has become popular in the world and also in our country in recent years. Cohabitation known as white marriage, domestic, biological couple, clinical. In the Oxford dictionary, it is defined as husband and wife living together. The main aim of the current research is to explain the attitude of students towards cohabitation, and also to compare the attitudes of male and female students using social learning theory, and to answer this question, what is the difference between male and female students' attitude of University Mazandaran towards cohabitation? The sample of this research is 246 students of University of Mazandaran. Simple random sampling method was used in this research. In this way, the online questionnaire was given to the research sample population without the researcher having any information about their attitude towards coexistence or their experience in the field of coexistence. Spss software was used for data analysis. The findings show that a total of 19.1 percent of the total sample are against and completely against cohabitation. The comparison between women and men also shows that 19.8% of women and 17.8% of men are against cohabitation. About half of the students also have an intermediate attitude (neither in favor nor against) towards cohabitation. The findings related to the difference in attitude towards cohabitation show that there is no significant difference between male and female students, but from the behavioral aspect, men have experienced cohabitation more than women. The results of multiple regression analysis show that the differential association variable affects cognitive and behavioral cohabitation. The variable of differential reinforcement has had a significant effect on cognitive, emotional and behavioral cohabitation and the variable of imitation has had a significant effect on emotional cohabitation. Also, the findings of the research show that the differential association in women has a significant effect on the (total) cohabitation, but it is not significant among men.

Keywords: Cohabitation, Differential association, Differential reinforcement, Imitation, Social learning.



Social Problems of Iran

Biannual Journal, Vol. 14, No. 2, Autumn & Winter 2024, 253-287.

Received: 14/5/2023 Accepted: 1/11/2023



۱. مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، خانواده نهادی اصلی و دارای جایگاهی مرکزی در جامعه بشری بوده است. خانواده متشکل از زن، شوهر و فرزند، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که زندگی، فعالیت‌ها و روابط زنان، مردان و کودکان را شکل می‌دهد. واحد ازدواج و خانواده کانون اصلی اقتصادی جوامع بوده و محل اصلی تولید، مصرف و توزیع در داخل و بین طبقات است. خانواده شامل روابطی صمیمانه‌تر، عاطفی‌تر، قدرتمندتر و پایدارتر از سایر ارتباطات است. روابط خانوادگی طولانی است و از بدو تولد به بعد و حتی زمانی که با اعضای خانواده بیگانه هستیم، هنوز از آن‌ها به عنوان خانواده صحبت می‌کنیم. ما در تعداد بیشتری از فعالیت‌ها با اعضای خانواده شرکت می‌کنیم تا با دیگران. خوردن، خوابیدن، مسافرت کردن، بیماری، دعواکردن و... نقاط عطف زندگی در درون خانواده را شکل می‌دهند (ریچ، ۲۰۲۰: ۱).

با مدرن شدن جوامع در قرن ۲۱، غرب دچار تغییراتی در عرصه روابط جنسی شده است. یکی از تغییرات چشمگیری که در ترکیب روابط میان دو جنس در دهه‌های اخیر رخ داده، افزایش تعداد افرادی است که به صورت ازدواج سفید یا زندگی مشترک زناشویی بدون ازدواج رسمی زندگی می‌کنند (هویت، ۲۰۰۶: ۲). اگرچه دسترسی به ازدواج به لطف بسیاری از تسهیلات قانونی گسترش یافته، ولی درصد افرادی که واقعاً ازدواج می‌کنند در حال کاهش است. در عوض، افراد طیف وسیعی از انتخاب‌ها را در مورد زندگی و روابط خود انجام می‌دهند.

تعداد فزاینده‌ای از زوج‌ها ترجیح می‌دهند باهم باشند و به جای ازدواج قانونی باهم زندگی کنند (ریچ، ۲۰۲۰: ۶۱). در سال ۱۹۶۸، تنها ۱٪ از بزرگسالان بین ۱۸ تا ۲۴ سال به صورت هم‌باشی زندگی می‌کردند؛ درحالی‌که ۳۹٪ ازدواج کرده بودند. امروزه، بر اساس آمار ایالات متحده، ۹٪ از افراد ۱۸ تا ۲۴ سال‌ها هم‌باش هستند (در مقایسه با ۷٪ که متأهل هستند). حدود ۳۰٪ از افراد بین ۱۸ تا ۳۴ سال، در مقایسه با ۴۰ سال پیش که ۵۹٪ ازدواج کرده بودند، هم‌باش هستند. حدود نیمی از افرادی که به صورت هم‌باشی زندگی می‌کنند، زیر ۳۵ سال سن دارند؛ اما تعداد هم‌باشان بالای ۵۰ سال در حال افزایش است و در حال حاضر تقریباً یک چهارم کل بزرگسالان هم‌باش هستند (استپلر، ۲۰۱۷: ۳).

1. Reich
2. Hewitt
3. Stepler



نگرش نسبت به ازدواج سفید، به عنوان معنا و انتظار فرد هم به نهاد ازدواج و هم به رابطه زناشویی آینده خود تعریف می شود (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۹). در پیشینه تحقیق، محققان بیشتر بر نگرش های جوانان نسبت به ازدواج سفید تمرکز کرده اند. کارول^۱ و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که به طور کلی هم مردان و هم زنان به ازدواج سفید اهمیت می دهند. ویلوگی^۲ و همکاران (۲۰۱۲) اظهار داشتند که جوانان به ازدواج سفید اهمیت می دهند و آن را به عنوان یک هدف مهم زندگی در مقایسه با والدین خود در نظر می گیرند. کارول و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که بسیاری برای ازدواج احساس آمادگی نمی کنند و رو به ازدواج سفید می آوردند. نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید، یکی از حوزه های مورد توجه محققان است. بسیاری از جوانان در دانشگاه ها در حال تحصیل اند و بسیاری از دانشجویان به فکر ازدواج و یا در سن ازدواج هستند، اما برخی از ازدواج دوری می کنند. از طرفی به موازات کاهش تعداد ازدواج های رسمی در سال های اخیر، ازدواج سفید به تدریج در حال افزایش است. این تغییرات توجه سیاستمداران را به خود جلب کرده که توسعه پروژه هایی برای تشویق جوانان به ازدواج، واکنش آن ها به این مسئله بوده است. بر همین اساس بخشی از توجهات به نگرش دانشجویان داوطلب ازدواج یا ازدواج سفید جلب شده است. ازدواج سفید در ایران با عناوین هم خانگی، زوج زیستی و هم بالینی نیز شناخته می شود و در لغت نامه آکسفورد به معنای زندگی زن و مرد در کنار هم بدون ازدواج رسمی آمده است. باین حال، در مفهوم حقوقی آمریکا، تعریف آن از یک هم خانه بدون قید و شرط تا سکونت همراه با آمیزش جنسی متغیر بوده است (ناگویین، ۱۹۵۹: ۷۰۰).

ازدواج سفید، نتیجه تغییرات تاریخی در الگوهای ازدواج و روابط جنسی در میان افراد مجردی است که به نوبه خود ریشه در اصالت فرد در ایدئولوژی غرب دارد. پیش فرض این دیدگاه آن است که با توجه به وجود برخی از اجزای ازدواج سنتی در ازدواج سفید (مانند واحد مسکونی مشترک، غذای مشترک و صمیمیت جنسی)، زوج های هم باش به دنبال جایگزینی برای ازدواج رسمی یا مراحل مقدماتی آن هستند (رایندفاوس^۴ و وندن هیوول^۵، ۲۰۱۹: ۷۰۴).

1. Carroll
2. Willoughby
3. Naquin
4. Rindfuss
5. vanden Heuvel

نگرش سه دسته از زوج‌ها به ازدواج سفید، به عنوان پیش درآمدی برای ازدواج رسمی است: زوج‌هایی که برنامه‌های مشخصی برای ازدواج با شریک خود دارند؛ زوج‌هایی که نشان می‌دهند انتظارات یا قصد مشخصی برای ازدواج دارند و زوج‌هایی که پس از نامزدی، اقدام به ازدواج سفید کرده‌اند. این زوج‌ها در مورد آینده روابط خود نسبت به دیگر زوج‌های هم‌خانه، اطمینان بیشتری دارند (کلین^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۱۳). تصویر رایج از ازدواج سفید در آمریکا، یک زمینه یا دوره آزمایشی و یا یک آزمون باارزش برای ارزیابی یک رابطه است (کلین و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۱۳). زوج‌های که به صورت آزمایشی باهم زندگی می‌کنند، ازدواج سفید را راهی برای امتحان کردن برخی از جنبه‌های زندگی زناشویی می‌دانند؛ چون اگر ازدواج آن‌ها مناسب به نظر نرسد، احتمالاً راهی برای خروج از آن وجود دارد. بر پایه برخی مطالعات کیفی، ازدواج سفید به عنوان یک ازدواج آزمایشی به ندرت به عنوان یک دلیل ذکر می‌شود و ممکن است یک انگیزه ثانویه برای کنار هم بودن باشد. همچنین هنگامی که ازدواج (به عنوان مثال، به دلیل مشکلات مالی یا دیگر دلایل) امکان‌پذیر نباشد، ممکن است برخی از ازدواج سفید به عنوان یک جایگزین استفاده کنند (مور و شی،^۲ ۲۰۱۰: ۴۱۰).

ریشه الگوهای ازدواج سفید معاصر در بسیاری از جوامع را می‌توان در قرن نوزدهم یا قبل از آن یافت. به باور محققان پورتوریکویی، ازدواج سفید پس از استعمار اسپانیا در قرن شانزدهم وجود داشته است. در انگلستان قرون وسطی، آنچه در نهایت به عنوان ازدواج عرفی شناخته شد، مجاز بود؛ زیرا در بسیاری از مناطق روستایی دورافتاده، هیچ قاضی یا روحانی برای ثبت ازدواج رسمی در دسترس نبود (رایندفاوس و وندن هیوول، ۲۰۱۹: ۷۰۳). در سوئد، ازدواج سفید تا اوایل قرن بیستم یک شکل کاملاً ریشه‌دار زندگی بود.

از طرفی، افزایش بی‌سابقه ازدواج سفید در آمریکا، الگوهای فرزندآوری را در این جامعه تغییر داده است (ساسلر،^۳ ۲۰۱۰: ۵۵۷). مجلس عوام بریتانیا (۲۰۲۲) در پژوهشی اذعان می‌کند در بریتانیا تعداد زوج‌هایی که بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۱ تصمیم می‌گیرند بدون ازدواج یا ورود به یک مشارکت مدنی در یک رابطه دوستانه پایدار باهم زندگی کنند، به ۳/۶ میلیون خانواده (۲۴٪ از خانواده‌های بریتانیایی) افزایش یافته است (کتابخانه مجلس

1. Kline

2. Murrow & Shi

3. Sassler



عوام بریتانیا،^۱ ۲۰۲۲). طبق مطالعه‌ای در آمریکا که به تحلیل نتایج سرشماری بین ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ پرداخته است، ۳۴٪ افراد بزرگسال تجربه ازدواج سفید داشته‌اند (مانینگ،^۲ ۲۰۲۰: ۸۱۷).

ازدواج سفید همچنین به طور فزاینده‌ای به یک جایگزین سبک زندگی برای ازدواج در غرب تبدیل شده است (لیچتر^۳ و همکاران، ۲۰۱۰: ۷۵۵)؛ اما در ایران، ازدواج تابع دین اسلام و ارزش‌های مذهبی است. بر این مبنا، قانون جمهوری اسلامی فقط ازدواج دائم و صیغه را به رسمیت می‌شناسد و هرگونه ارتباط خارج از این روال، جرم محسوب می‌شود. امروزه آمار ازدواج رسمی کشور پایین آمده است و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ میزان جوانان مجردی که در سن ازدواج هستند، از نه میلیون نفر بیشتر است. به دلیل پنهانی بودن این نوع زندگی، آمار دقیقی از میزان هم‌باشی وجود ندارد و پژوهش‌های انجام شده نیز به بررسی نگرش به ازدواج سفید پرداخته‌اند.

در پژوهش زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)، ۶۰٪ پاسخگویان موافق رابطه پیش از ازدواج بوده‌اند و ۲۲/۵٪ به روابط پیش از ازدواج نگرش منفی دارند. موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۵ نشان داد که ۹۱/۳٪ پاسخگویان مخالف هم‌باشی و در مقابل ۲/۷٪ نیز موافق آن بوده‌اند (مرکز رصد فرهنگی کشور،^۴ ۱۳۹۵). همچنین یافته‌های پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷ نشان داد که ۸۰/۲۵٪ پاسخگویان با هم‌باشی مخالف و ۹/۷۵٪ موافق هستند (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۳۹۷). از طرفی، یافته‌های پیمایش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که گرایش جوانان نسبت به هم‌باشی در سال‌های اخیر افزایش یافته است (وهابی‌زاده، ۱۳۹۶؛ آقایی، ۱۳۹۸).

یافته‌ها نشان می‌دهد نقش‌های جنسیتی بر تصمیمات زنان برای ازدواج تأثیر می‌گذارد (باربر و اکسین،^۵ ۱۹۹۸: ۲۹). کاتسورادا و سوگیهارا^۶ (۲۰۰۲) دریافتند که زنان سنتی تمایل بیشتری به ازدواج دارند و یا به ازدواج زودهنگام متمایل‌اند و انگیزه کمتری به ازدواج سفید دارند. کاتسورادا و سوگیهارا (۲۰۰۲) دریافتند که مردان غیرسنتی در مقایسه با مردان سنتی،

1. The Library of the House of Commons of England

2. Manning

3. Lichter

4. <https://ircud.ir>

5. Barber & Axinn

6. Katsurada & Sugihara

بیشتر به ازدواج سفید تمایل دارند. در حالی که در برخی مطالعات مشخص شد که نگرش زنان به ازدواج سفید مثبت تر از مردان است (هوانگ و لین،^۱ ۲۰۱۴؛ جنینگز^۲ و همکاران، ۱۹۹۲؛ کیم و جونگ،^۳ ۲۰۱۵؛ ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بلکیمور^۴ و همکاران (۲۰۰۵) تأکید کردند که ازدواج واجد نقش مهم و هنجاری هم برای مردان و هم برای زنان است، اما برای زنان اهمیت ویژه‌ای دارد.

این تحقیق قصد دارد از منظر جامعه‌شناختی، به مقایسه نگرش دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران نسبت به ازدواج سفید بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی^۵ ایکرز^۶ پردازد. یکی از روش‌های شناخت و بررسی موضوع، بررسی نگرش افراد به پدیده مورد نظر است تا جایی که به عقیده روان‌شناسان اجتماعی، تغییر نگرش پیش‌درآمد تغییر رفتار است (چایکین،^۷ ۱۹۸۰: ۷۵۴). از این رو، هدف پژوهش حاضر تبیین نوع نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به ازدواج سفید و پاسخ به این پرسش است که چه تفاوتی بین نوع نگرش دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران نسبت به ازدواج سفید وجود دارد؟ و این که قدرت تبیینی نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز در تبیین این نگرش چه میزان است؟ با توجه به نوپدیدبودن ازدواج سفید در ایران، سنجش نگرش می‌تواند در پیش‌بینی رفتار افراد در این زمینه و همین‌طور شناخت ابعاد این پدیده و آگاهی‌رسانی در مورد آن به ما کمک کند.

۲. پیشینه تجربی

اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ازدواج سفید در ایران به صورت کیفی بوده و از روش‌های پدیدارشناختی و نظریه زمینه‌ای برای تحلیل استفاده کرده‌اند. همچنین این پژوهش‌ها به بررسی بسترهای شکل‌گیری این نوع سبک زندگی پرداخته‌اند. برای مثال، آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۱)، گلچین و صفری (۱۳۹۶)، نصرتی‌نژاد و بهرامی (۱۳۹۶) و

1. Huang & Lin
2. Jennings
3. Kim & Jung
4. Blakemore
5. Social learning theory
6. Akers
7. Chaiken



امیدوار و همکاران (۱۴۰۱) این نوع سبک زندگی را محصول مدرن شدن جامعه، فردگرایی، تحصیلات دانشگاهی و کم‌رنگ شدن سنت در جامعه دانسته‌اند. علاوه بر این، تحقیق زاهدی اصل و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که افراد مشارکت‌کننده در پژوهش، در کنار احساس برابری جنسیتی و استقلال و آزادی عمل بیش‌تر و تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی، با چالش‌های جدی از جمله آنگ و طرد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی، رفتارهای پُرخطر (مصرف مواد و سیگار و...) و خشونت مواجه بوده‌اند. از نظر اعتمادی فرد و حسینی (۱۳۹۸)، سبک زندگی باعث نفی و از بین رفتن شکل کنونی غالب در ایران نمی‌شود. به نظر احمدوندشاهوردی و همکاران (۱۴۰۰) ازدواج سفید رابطه‌ای آزادانه و درعین حال متعهدانه است که در فرایند گذار به سمت مدرنیته، بیش از گذشته به عنوان یک سبک زندگی جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج، در دسترس برخی جوانان شهر تهران قرار گرفته است. حسینی و همکاران (۱۴۰۰) دلایلی همچون بازی نقش و گریز از مواجهه با مشکلات ازدواج و احتمالاً تجربه تلخ طلاق را عامل تن دادن به این نوع رابطه می‌دانند.

امجدی و همکاران (۱۳۹۹) به مقوله بندی عوامل مؤثر و مرتبط بر ازدواج سفید پرداخته و کمبودها و نیازهای عاطفی، عدم نظارت خانواده بر روابط فرزندان و طرد آنان، تسهیل روابط دختران و پسران در کلان شهر، بالارفتن سن تجرد در زنان را به عنوان مقوله علی؛ تصمیمات عاطفی و هیجانی و خوداظهاری را به عنوان راهبرد؛ کیفیت تعاملات و روابط زوجین، استقلال عاطفی و مالی زنان و الگوبرداری از فرهنگ غربی را به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ و بی‌رغبتی به ازدواج دائم، پنهان کاری و دروغ را به عنوان پیامدهای این نوع از سبک زندگی معرفی نمودند.

آقایی (۱۳۹۸) در تحقیق خود نشان داد که عدم اعتقاد به هنجارها و اصول مذهبی، شرایط بد اقتصادی و بیکاری، مخالفت با ازدواج سنتی، لذت طلبی، دوستی با افراد سابقه دار در ازدواج سفید، از هم گسستگی خانواده، فقدان کیفرگذاری مستقل برای ازدواج سفید، عدم نظارت همگانی، کسب حمایت برای زنان و عدم تعهد و مسئولیت در گسترش ازدواج سفید مؤثر است.

در جمع بندی تحقیقات داخلی می‌توان گفت که دلایلی از جمله مشکلات اقتصادی، آزمون پایدار بودن رابطه، لزوم آشنایی بیشتر زوجین، بی‌اعتقادی به دین و ازدواج، افزایش زنان و مردان بر اثر طلاق، الگوبرداری از جوامع غربی، توقعات بالای خانواده‌ها در مورد

ازدواج، تعهد مالی کمتر نسبت به ازدواج رسمی، تحصیلات، فضای برخورد جنس مخالف در دانشگاه، ارضای نیازهای جنسی و تنوع طلبی جنسی از موارد و یافته‌های تحقیق این محققان بوده است.

اکثر پژوهش‌های داخلی در این زمینه با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و کیفی (از طریق مصاحبه‌های عمیق با افرادی که ازدواج سفید را در گذشته تجربه کرده‌اند و یا هم‌اکنون در حال تجربه آن هستند)، با هدف بررسی شرایط، زمینه‌ها و انگیزه‌های انتخاب این نوع از رابطه صورت گرفته و تعداد بسیار کمی از آن‌ها به روش کمی و با هدف بررسی نگرش دانشجویان به ازدواج سفید انجام شده است. همچنین مطالعات منتشر شده نشان می‌دهد تحقیقات انجام شده نوعاً چهارچوب مشخصی ندارند.

در مقابل، تعداد پژوهش‌های خارجی انجام شده در مورد ازدواج سفید از لحاظ جامعه آماری نظریه و روش انجام تحقیق، از تنوع و فراوانی بیشتری در مقایسه با پژوهش‌های داخلی برخوردار است. لاول^۱ (۲۰۲۰) نشان داد هرچه از زمان ازدواج سفید دانشجویان هم‌باش (صرف نظر از جنسیتشان) بیشتر می‌گذرد، ابعاد مختلف تنهایی‌شان (اجتماعی، عاشقانه و خانوادگی) کاهش و رضایتشان از زندگی جنسی افزایش می‌یابد. کرایدل و زیلینکیکو^۲ (۲۰۲۱) عوامل فرهنگی همچون تغییر ارزش‌ها، افزایش مادی‌گرایی، فردگرایی، اشتغال زنان، تحولات اقتصادی و... را در به‌وجود آمدن ازدواج سفید بسیار پُررنگ دانسته‌اند. بر پایه مطالعه دی‌کونیک^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، افراد معتقدند برای داشتن امنیت مالی، خوشبختی و فرزندآوری لزوماً نیاز نیست که ازدواج رسمی کنند؛ بلکه حتی با زندگی با شریک قابل اعتماد خود بدون ازدواج رسمی نیز می‌توانند احساس خوشبختی و بهزیستی را تجربه کنند.

به اعتقاد ساسلر و تی لیچتر (۲۰۲۰) زندگی مشترک بسیاری از هم‌باش‌ها به ازدواج ختم نمی‌شود. بررسی‌های آن‌ها ریشه و دلایل این تغییرات در حوزه ازدواج و روابط را دو عامل روانی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند؛ به این معنا که مدرن‌سازی، توسعه اقتصادی، اشتغال زنان، افزایش سطح تحصیلات به‌ویژه سطح تحصیلات زنان، آسان شدن فرایند طلاق و...

1. Lawal

2. Kreidl & Zilincikova

3. Coninck



در این تحولات نقش بسزایی داشته‌اند. هوروتیز^۱ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند افراد دارای سابقه زندگی مشترک قبل از ازدواج رسمی، شانس بیشتری برای داشتن یک ازدواج موفق دارند. پژوهش کیرنان^۲ (۲۰۰۱) نشان داد که احتمال رابطه در انحلال در ازدواج سفید زیاد است.

رونثوس^۳ و همکاران (۲۰۱۷) خاطرنشان کردند که دانشجویان دختر با غلبه بر مرزهای سنتی در حیطه ازدواج، شکل‌های مدرن‌تری از رابطه را برای داشتن شریک ترجیح می‌دهند و همچنین تمایل دارند تصمیم خود را برای ازدواج به تعویق بیندازند. در نهایت، می‌توان گفت تعداد زیادی از دانشجویان دختر از زندگی مشترک به عنوان پیش درآمد ازدواج استفاده می‌کنند؛ چراکه تمایل ندارند کلیشه‌های جنسیتی موجود بر تصمیم‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و شغلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد و آنان را محدود کند.

اکثر پژوهش‌های خارجی بررسی شده به روش‌های کمی، کیفی و کتابخانه‌ای انجام گرفته‌اند و ابزار گردآوری اطلاعات در هر روش به ترتیب پرسشنامه، مصاحبه عمیق و استفاده از اسناد بوده است. همچنین، در جستجوهای انجام شده، تحقیقی با چهارچوب نظریه یادگیری اجتماعی یافت نشد. در جوامع غربی ازدواج رسمی همچنان طرفداران خود را دارد؛ با این تفاوت که افراد ازدواج رسمی خود را به تأخیر می‌اندازند و به عبارت دیگر سن ازدواج رسمی ایشان افزایش یافته است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش به ازدواج سفید در مجردها بیشتر از متأهل‌ها، در مردان بیشتر از زنان، در جوانان بیشتر از میانسالان و سالخوردگان و در زنان بیوه یا مطلقه بیشتر از دیگر زنان، مثبت و مساعدتر بوده است.

۳. چهارچوب نظری

نظریه یادگیری اجتماعی نظریه‌ای کلی از رفتار مجرمانه و انحرافی است که برای بیش از چهار دهه پشتیبانی تجربی قوی و ثابتی پیدا کرده است (ایکز، ۲۰۱۹: ۱۱۳). در یک جمع‌بندی از وضعیت نظریه جرم‌شناسی^۴، نظریه یادگیری اجتماعی به همراه نظریه‌های کنترل اجتماعی و نظریه‌های فشار به عنوان نظریه‌های اصلی در این زمینه قرار گرفته‌اند

1. Horowitz
2. Kiernan
3. Ronthos
4. Criminological theory

کالن^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۹). ایگرز (۲۰۱۹) درباره فرایند یادگیری اجتماعی، چهار مفهوم اصلی را ارائه می دهد:

۱. پیوند افتراقی^۲ که شامل تأثیر اعضای خانواده و دیگر گروه‌های همسالان صمیمی یا گروه‌های ثانویه مانند همسایگان، کلیساها، معلمان مدارس، چهره‌های حقوقی و رسمی و همچنین گروه‌های مجازی ایجاد شده از طریق رسانه‌های جمعی، اینترنت، تلفن همراه و... است.

مطابق این مفهوم، تعامل و ارتباط با گروه‌های مختلف که در ابتدا شکل می‌گیرد، مبنای رفتار و عمل افراد است؛ افراد/گروه‌هایی که فرد با آن‌ها در تعامل است، در ایجاد زمینه‌های عمده اجتماعی و فرایندهای یادگیری اجتماعی نقش مهمی دارند (وار، ۲۰۰۳). اگر فردی به‌طور افتراقی با کسانی که در رفتارهای مجرمانه و انحرافی شرکت دارند یا گرایش‌های ضد جرمی از خود نشان می‌دهند، هم‌نوایی و ارتباط بیشتری داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که به رفتارهای مجرمانه سوق پیدا کند. در مقابل، عدم هم‌نوایی و ارتباط کمتر فرد با افراد و گروه‌های بزهکار و انحرافی، احتمال مشارکت در جرم و جنایت را کاهش می‌دهد. در نهایت، ایگرز مفهوم پیوند افتراقی را با توجه به شدت ارتباط، اولویت، فراوانی و استمرار زمانی آن مطرح می‌کند (ایگرز، ۲۰۱۹: ۱۱۵).

۲. تعاریف^۴ که به ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و نگرش‌ها نسبت به رفتار مجرمانه یا هم‌نوایی افراد اشاره دارد. مفهوم تعاریف در این نظریه به دامنه نگرش‌ها، باورها و ارزش‌هایی اشاره دارد که در آن افراد برای تعریف یا ارزیابی رفتاری خاصی به عنوان درست یا غلط بودن، خوب یا بد بودن، مطلوب یا نامطلوب بودن، موجه یا غیرقابل توجیه بودن و مناسب یا نامناسب بودن تلاش می‌کنند. تعاریف عمومی مجموعه‌ای کلی از باورهای عرفی، اخلاقی، مذهبی و دیگر باورهایی هستند که در اشاره به طیف گسترده‌ای از رفتارها و موقعیت‌ها نگهداری می‌شوند (ایگرز، ۲۰۱۹: ۱۱۶).

به‌عنوان مثال، ممکن است فرد احساس کند زیرپا گذاشتن قوانینی همچون قوانین رانندگی از نظر اخلاقی اشتباه است و تصمیم بگیرد از این رفتار خودداری کند؛ اما داشتن

1. Cullen

2. Differential association

3. War

4. Definitions



رابطه جنسی پیش از ازدواج یا زندگی به صورت ازدواج سفید را ایراد نبیند و تصمیم به زندگی به صورت ازدواج سفید بگیرد. تعاریف مطلوب برای انحراف، ممکن است تعاریف مثبتی باشند که به طور مستقیم رفتار را به عنوان کاری مطلوب یا خوب ارزیابی می کنند (داشتن رابطه قبل از ازدواج خوب است)؛ و یا ممکن است خنثی کننده باشند که رفتار را به طور کلی خوب نمی بینند، اما برای پیشبرد اهداف و توجیه اعمال انحرافی خود آن را قابل قبول، موجه یا قابل استفاده (با توجه به شرایط) ارزیابی می کنند.

۳. تقویت افتراقی^۱ که به تعادل پاداش^۲ و تنبیه^۳ درک شده، تجربه شده یا پیش بینی شده برای رفتار اشاره دارد (فلوریدا و هولینگر، ۲۰۱۶: ۱۰۱۵). هرچه رفتار بیشتر پاداش داده شود و ارزش پاداش برای رفتار بیشتر باشد و رفتار کم تر و شدیدتر تنبیه شود، با تعادل پاداش و مجازات برای رفتار جایگزین مقایسه می شود (ایکرز، ۲۰۱۷). پس با توجه به فرصت و موقعیتی که در آن رفتار می تواند انجام شود، احتمال اینکه فرد در رفتار درگیر شود بیشتر است. علاوه بر این، رفتارهایی که اغلب رُخ می دهند و به شدت تقویت می شوند نیز احتمالاً رفتارهایی هستند که فرد تصمیم می گیرد حتی در حضور فرصت برای رفتارهای جایگزین در آن ها شرکت کند (ایکرز، ۲۰۱۹: ۱۱۷).

۴. تقلید^۴ که هم شامل مشاهده رفتار مدل شده توسط دیگران و هم پیامدهای رفتار برای آن ها می شود نظریه یادگیری اجتماعی بر این فرض مبتنی است که انسان ها رفتارشان را از طریق مشاهده رفتار دیگران و الگو قرار دادن آن، یاد می گیرند. تقلید زمانی رُخ می دهد که یک فرد درگیر یک رفتار خاص می شود که آن ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم عملکرد فرد دیگری را مشاهده کرده اند. به نظر ایکرز (۱۹۸۵) اگرچه تقلید در تداوم و توقف رفتار نقش دارد، اما به احتمال زیاد بر آغاز یک رفتار جدید تأثیر می گذارد. تقلید برای فردی که تا به حال رفتاری خاص را نداشته است، اهمیت بیشتری دارد؛ او مدلی را مشاهده و در رفتار شرکت می کند و از این رفتار سود می برد، سپس تصمیم می گیرد که از طریق تقلید در رفتار شرکت کند (ایکرز، ۲۰۱۹: ۱۱۸).

1. Differential Reinforcement
2. Reward
3. Cost
4. Florida & Hollinger
5. Imitation

فرضیات

فرضیه اصلی:

- نوع نگرش به ازدواج سفید، تابعی مثبت از یادگیری اجتماعی است.

فرضیه‌های فرعی:

- نوع نگرش به ازدواج سفید، تابعی مثبت از میزان پیوند افتراقی است.
- نوع نگرش به ازدواج سفید، تابعی مثبت از میزان تقویت افتراقی است.
- نوع نگرش به ازدواج سفید، تابعی مثبت از میزان تقلید است.

۴. روش‌شناسی تحقیق

هدف این پژوهش بررسی نوع نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی بوده است. با توجه به موضوع مورد بررسی، از روش تحقیق پیمایش و از ابزار پرسشنامه خودگزارشی^۱ برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق را دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند. بر اساس آمار به دست آمده از اداره آموزش دانشگاه مازندران، از بین تعداد کل دانشجویان که برابر با ۱۳۷۸۸ نفر است، حجم نمونه با توجه به شرایط کرونایی کشور و دشواری گردآوری داده‌ها با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۶ به میزان ۲۷۷ نفر برآورد شد که پس از پالایش پرسشنامه‌ها و کنارگذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، نهایتاً ۲۴۶ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. به این صورت که پرسشنامه آنلاین به جمعیت نمونه بدون آنکه در مورد نگرش آنان نسبت به ازدواج سفید و یا تجربه آنان در زمینه ازدواج سفید اطلاعاتی در دست محقق باشد، به صورت کاملاً تصادفی توزیع شد.

داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه آنلاین جمع‌آوری گردید که در سایت پرس آنلاین طراحی شد و در فضای مجازی (در صفحه پیام شخصی افراد بدون شناخت قبلی، در تلگرام، واتس‌آپ، اینستاگرام) در میان دانشجویان دانشگاه مازندران به صورت تصادفی توزیع گردید. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

1. Self report



۴-۱. اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق برای سنجش اعتبار مقیاس‌های تحقیق از اعتبار محتوا و برای سنجش پایایی این مقیاس‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ منعکس است.

جدول شماره ۱: ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس تحقیق

ضریب آلفا	تعداد گویه	مقیاس
۰/۶۷	۲۱	نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید
۰/۸۲	۲۷	پیوند افتراقی
۰/۸۷	۳۶	تقویت افتراقی
۰/۹۴	۹	تقلید

۴-۲. سنجش‌ها

۴-۲-۱. نگرش نسبت به ازدواج سفید

در تعریف فریدمن^۱ و همکاران (۱۹۷۰)، «نگرش» نظام بادوامی است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر تمایل به عمل است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخصی درباره یک شیء یا اندیشه است. عنصر احساسی یا عاطفی، آن است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌های خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۴۰۱: ۲۹۵). در این تحقیق، تعریف اجزای نگرش به ازدواج سفید به صورت زیر بوده است:

- جزء شناختی^۲ نگرش، اطلاعاتی است که فرد در مورد موضوع نگرش دارد.
- جزء عاطفی^۳ نگرش، شامل احساساتی است که موضوع نگرش در شخص برمی‌انگیزد؛ یعنی موضوع ممکن است خوشایند یا ناخوشایند باشد، ایجاد خوشی یا خوشحالی کند یا برانگیزاننده نفرت و انزجار باشد.

1. Friedman

2. Cognitive

3. Affective

- جزء نیت رفتاری نگرش که در تعریف نگرش، اغلب آن را نوعی آمادگی برای عمل ذکر کرده‌اند، نگرش شخص را آماده می‌کند تا در برخورد با موضوع نگرش رفتاری از خود نشان دهد (همان).

جدول شماره ۲: گویه‌های نوع نگرش به ازدواج سفید در سه بُعد شناختی، عاطفی و نیت رفتاری

ابعاد	گویه‌ها
شناختی	ازدواج سفید راه مناسبی برای شناخت همسر آینده است.
	ازدواج سفید می‌تواند راه مناسبی برای ارضای نیازهای جنسی باشد.
	ازدواج سفید با توجه به عدم تشریفات مالی، می‌تواند باعث پیشرفت اقتصادی بیشتری نسبت به ازدواج رسمی طرفین شود.
	شروع رابطه در ازدواج سفید راحت است.
عاطفی	ازدواج سفید باعث تأخیر ازدواج رسمی می‌شود.
	ازدواج سفید آزادی عمل بیشتری نسبت به ازدواج رسمی به افراد می‌دهد.
	نداشتن تعهد رسمی در ازدواج سفید، برایم ترس از جدایی را به همراه دارد.
	ازدواج سفید برایم احساس آرامش عاطفی بیشتری نسبت به ازدواج رسمی دارد.
	در ازدواج سفید تعلق خاطر (وابستگی عاطفی) کمتری به یکدیگر نسبت به ازدواج رسمی وجود دارد.
	ازدواج سفید برایم لذت بخش تر از ازدواج رسمی است.
نیت رفتاری	ازدواج سفید در مقایسه با ازدواج رسمی برایم مضطرب کننده است.
	نسبت به ازدواج سفید، احساس تنفر دارم.
	با توجه به ازدواج‌های ناموفقی که در اطرافیانم می‌بینم، ترجیح می‌دهم به جای اینکه ازدواج رسمی کنم، سبک ازدواج سفید را تجربه کنم.
	در شرایط فعلی آمادگی ازدواج رسمی و پذیرش مسئولیت را ندارم. لذا ازدواج سفید را ترجیح می‌دهم.
	ترجیح می‌دهم ازدواج سفید کنم و اقدام به ازدواج رسمی را برای آینده‌ای که شرایط مناسب باشد ضروری می‌دانم.
	اگر شرایط مهیا باشد، پیشنهاد ازدواج سفید را قبول می‌کنم.
	ترجیح می‌دهم صبر کنم تا شرایط ازدواج برایم فراهم شود تا بتوانم به صورت رسمی ازدواج کنم.
اگر یکی از دوستانم با شریک خود ازدواج سفید را تجربه کند، ارتباطم را با او قطع می‌کنم.	



در تحقیق حاضر برای بررسی نگرش از ۱۸ گویه استفاده شده است که برای تعیین شدت نگرش‌ها، طیف پنج‌تایی لیکرت «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «بینابین»، «مخالفم»، «کاملاً مخالفم» آورده شده است. جدول شماره ۲ گویه‌های ذکر شده برای بررسی نگرش در سه جزء شناختی، عاطفی و نیت رفتاری را نشان می‌دهد. گویه‌های این جدول که مربوط به بررسی نگرش نسبت به ازدواج سفید است، مبتنی بر تحقیق وهابی‌زاده (۱۳۹۶) است که گویه‌های آن تعدیل و اصلاح شده‌اند.

۴-۲-۲. پیوند افتراقی

متغیر پیوند افتراقی به افرادی اشاره می‌کند که در معرض اشخاص منحرف قرار می‌گیرند و میلشان به درگیر شدن در رفتارهای غیرقانونی در کنار یادگرفتن تعاریف مطلوب تخطی از قانون، افزایش می‌یابد (لی، ۲۰۱۳: ۱۱). متغیر پیوند افتراقی دارای دو بُعد هنجاری و رفتاری در تعاملات اجتماعی (لرش، ۱۹۹۹: ۱۰۳) و چهار مؤلفه فراوانی، استمرار زمانی، تقدم و شدت است (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲). برای متغیر پیوند افتراقی در این تحقیق دو مؤلفه فراوانی (تعداد) و شدت رابطه با دوستان برای بعد رفتاری پیوند افتراقی و نوع نگرش دوستان نسبت به هم باشی برای بعد هنجاری پیوند افتراقی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

- مؤلفه «تعداد (فراوانی) دوستان» پیوند افتراقی با این سؤال سنجیده شده است که «فکر می‌کنید چه تعداد از دوستان شما هر یک از رفتارهای زیر را انجام می‌دهند؟» و در زیر آن ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده است. پاسخ‌های آن نیز بر مبنای طیف پنج‌تایی لیکرت از «هیچ‌یک از دوستانم»، «۱ تا ۳ نفر»، «۴ تا ۶ نفر»، «۷ تا ۹ نفر» و «۱۰ نفر و بیشتر» طراحی شده است.
- مؤلفه «شدت ارتباط با دوستان» پیوند افتراقی نیز با این سؤال سنجیده شده است که «میزان ارتباط شما با دوستانی که رفتارهای زیر را انجام می‌دهند، چقدر است؟» که در زیر آن ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده و بر مبنای طیف لیکرت پنج‌تایی پاسخ‌های «خیلی زیاد»، «زیاد»، «تا حدودی»، «کم» و «اصلاً» بر آن در نظر گرفته شده است.

1. Lee

2. Lersch

- مؤلفه «نوع نگرش دوستان» در بُعد هنجاری پیوند افتراقی نیز با سؤال «فکر می‌کنید که دوستان صمیمی‌تان نسبت به هر یک از موارد زیر چه نظری دارند؟» و با پاسخ‌های «کاملاً موافق‌اند»، «موافق‌اند»، «بی‌تفاوت‌اند»، «مخالف‌اند» و «کاملاً مخالف‌اند» بر مبنای طیف لیکرت سنجیده شده است.

۳-۲-۴. تقویت افتراقی

تقویت افتراقی به تعادل پاداش‌ها و مجازات پیش‌بینی‌شده یا واقعی اشاره دارد که به دنبال یک رفتار انحرافی می‌آیند. ایکز معتقد است اینکه افراد یک رفتار انحرافی را انجام بدهند یا از انجام آن خودداری کنند، به پاداش‌ها و مجازات گذشته، حال و آینده پیش‌بینی‌شده برای اعمالشان بستگی دارد. هرچه ارزش، دفعات و احتمال پاداش برای یک رفتار اجتماعی بیشتر باشد، احتمال وقوع و تکرار آن بیشتر است (ایکز و جنسن، ۲۰۰۶: ۵). در این پژوهش تقویت افتراقی شامل ابعاد بازدارندگی^۲، عکس‌العمل^۳ دوستان، تشویق^۴ دوستان و پاداش است.

- **بُعد بازدارندگی:** مفهوم بازدارندگی در نظریه ایکز به احتمال مجازات برای رفتارهای انحرافی اشاره می‌کند. بازدارندگی ممکن است رسمی (از طرف سیستم قانونی مثل پلیس، مقامات رسمی و...) و یا غیررسمی (از طرف والدین، دوستان، آشنایان مهم) باشد که هر دو مورد دارای سه بُعد قطعیت، شدت و سرعت است (ایکز، ۱۹۹۰: ۶۵۸).

برای سنجش بُعد بازدارندگی، از یک مؤلفه بازدارندگی غیررسمی یعنی قطعیت بازدارندگی استفاده شد. درواقع، با طرح پرسش «فکر می‌کنید اگر دوستان نزدیک و مهمتان باخبر شوند که هر یک از رفتارهای زیر را انجام داده‌اید، چقدر دچار دردسر شوید؟» ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید در برابر مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. پاسخ‌ها نیز مبتنی بر طیف لیکرتی پنج‌تایی «اصلاً»، «کم»، «تا حدودی»، «زیاد» و «خیلی زیاد» طراحی گردید.

-
1. Jensen
 2. Deterrence
 3. Reaction
 4. Encouragement



- **بُعد عکس‌العمل دوستان:** عکس‌العمل دلالت بر شدت واکنش دیگرانِ مهم (والدین، همسالان، معلم و دوستان) به رفتارهای فرد دارد (علیوردی نیا و حیدری، ۱۳۹۱: ۵۱). برای سنجش بُعد عکس‌العمل، از پاسخگویان پرسیده شده «فکر می‌کنید اگر دوستان نزدیک و صمیمی‌تان باخبر شوند که هر یک از رفتارهای زیر را انجام داده‌اید، چه عکس‌العملی خواهند داشت؟» و در زیر این سؤال ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده است.
- معرف‌های مربوط به این مؤلفه، طیف پنج‌تایی از عکس‌العمل‌های مثبت تا عکس‌العمل‌های منفی شامل «رفتارم را تأیید و مرا تشویق می‌کنند»، «بی‌تفاوت‌اند»، «با اوقات تلخی و سرزنش با من برخورد می‌کنند»، «با من قطع ارتباط می‌کنند» و «به خانواده‌ام اطلاع می‌دهند» بود که پاسخگویان تنها یک گزینه را باید انتخاب می‌کردند.
- **بُعد پاداش:** پاداش‌ها شامل کلمات، عکس‌العمل‌ها، حضور و رفتار افرادی است که در زمان حال یا در آینده در ازای انجام یک عمل کنشگر، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دریافت می‌کند و موجب تقویت رفتار می‌شود (ایکرز و جنسن، ۲۰۰۶: ۸). بُعد پاداش با سؤال «فکر می‌کنید اگر رفتارهای زیر را انجام دهید، چه پیامدهای مثبتی برایتان خواهد داشت؟» سنجیده شد که در زیر آن ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده بود.
- معرف‌های «تأمین نیاز مالی»، «تأمین نیاز عاطفی»، «تأمین نیاز جنسی»، «امروزی و مطابق مد بودن»، «داشتن احساس اعتماد به نفس»، «هیجان‌انگیز بودن» و «هیچ‌کدام» نیز به عنوان پاسخ به این سؤال در نظر گرفته شد. پاسخگویان در این بُعد مجاز بودند بیش از یک گزینه را انتخاب کنند و به هر یک از معرف‌ها نمره ۱ تعلق می‌گیرد و جمع تمامی پاسخ‌ها نمره کل پاداش را نشان می‌دهد.
- **بُعد تشویق دوستان:** ارائه تشویق، به معنی نشان دادن رفتار مطلوب است. از طریق تشویق انجام دادن یا ندادن یک رفتار مورد تأیید قرار می‌گیرد (علیوردی نیا و حیدری، ۱۳۹۱: ۴). برای سنجش بُعد تشویق مقیاس تقویت افتراقی، از پاسخگویان این‌گونه پرسیده شد: «دوستانم مرا تشویق می‌کنند که کارهای زیر را انجام دهم» و در زیر این سؤال ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده بود. پاسخ‌های این بُعد بر مبنای طیف لیکرت پنج‌تایی «همیشه»، «اکثر اوقات»، «گاهی اوقات»، «به ندرت» و «هرگز» طراحی شد.

۴-۲-۴. تقلید

تقلید به الگوبرداری از یک رفتار، پس از مشاهده مستقیم یا غیرمستقیم آن رفتار اشاره دارد. گروه‌های اجتماعی مهم (والدین، دوستان، معلم) و نیز منابعی نظیر رسانه‌ها از مهم‌ترین منابع تقلید و الگوبرداری هستند (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). متغیر تقلید با این سؤال سنجیده شد که «آیا هیچ‌گاه دیده یا شنیده‌اید که کسانی که شما به آن‌ها احترام می‌گذارید و مورد تأیید شما هستند همانند اعضای خانواده، دوستان صمیمی، اقوام، یکی از رفتارهای زیر را انجام داده باشند؟» و در زیر این سؤال ۹ گویه مربوط به مصادیق ثابت ازدواج سفید آمده بود. پاسخ‌های این سؤال بر اساس طیف لیکرت پنج‌تایی «اصلاً»، «کم»، «تا حدودی»، «زیاد» و «خیلی زیاد» طراحی شد.

۴-۲-۵. مصادیق ثابت ازدواج سفید

در ازدواج سفید دو نفر در قالب زن و شوهر باهم زندگی می‌کنند و باهم رابطه جنسی دارند، درحالی‌که هیچ‌گونه مراسم قانونی مبنی بر ازدواج را برگزار نکرده‌اند. همچنین در ازدواج سفید، زن و مرد با یکدیگر به صورت غیرقانونی هم‌خانه می‌شوند، ولی مدت زمانی که قرار است باهم زندگی کنند نامعلوم است» (نصرتی نژاد و بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۸). برای سنجش رابطه بین متغیرهای یادگیری اجتماعی و ازدواج سفید، ۹ مصداق ثابت برای ازدواج سفید تعیین شد (جدول شماره ۳) که در تمامی سؤالات تکرار شدند.

جدول شماره ۳: مصادیق ثابت ازدواج سفید

۱. زندگی کردن زیر یک سقف با شریک خود، بدون ثبت رسمی رابطه.
۲. داشتن رابطه هم‌خانگی به همراه رابطه جنسی با شریک خود، بدون پایان و مدت زمان رابطه مشخص.
۳. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با شریک خود، به صورت پنهانی.
۴. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با افراد مختلف در یک زمان یا به عبارتی هم‌زمان.
۵. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با افراد مختلف در زمان‌های مختلف.
۶. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با شریک خود گاه‌گاه.
۷. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با فردی که دوستش دارم.
۸. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با فردی که قرار است در آینده با او ازدواج کنم.
۹. داشتن رابطه هم‌خانگی و رابطه جنسی با شریک خود بدون قصد فرزندآوری.



۵. یافته‌ها

مطابق یافته‌ها، از مجموع ۲۴۶ نفر پاسخگوی نهایی، ۳۶/۶٪ مرد و ۶۳/۴٪ زن بودند. بیشترین توزیع فراوانی در کل پاسخگویان مربوط به رده سنی ۲۲ تا ۲۵ سال (۵۰/۴٪) بود و کمترین آن به رده سنی ۳۸ و بالاتر (۰/۸٪) اختصاص داشت. ۸۹٪ پاسخگویان مجرد و ۱۱٪ متأهل بودند. حدود ۶۹/۱٪ آن‌ها دانشجوی کارشناسی و حدود ۳۰/۹٪ باقیمانده دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودند. ۸۰/۱٪ آن‌ها ساکن شهر و ۱۹/۹٪ ساکن روستا بودند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصدی متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید - بُعد شناختی

ابعاد نگرش	گویه‌ها (تلفیح شده)	گزینه	پسر		دختر		کل	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شناختی	ازدواج سفید راهی مناسب برای شناخت همسر آینده	مخالف	۲۹	۳۲/۲	۵۴	۳۴/۶	۸۳	۳۳/۷
		بینابین	۲۳	۲۵/۶	۴۴	۲۸/۲	۶۷	۲۷/۲
		موافق	۳۸	۴۲/۲	۵۸	۳۷/۲	۹۶	۴۰/۰
شناختی	ازدواج سفید راهی مناسب برای ارضای نیازهای جنسی	مخالف	۳۸	۴۲/۳	۷۷	۴۹/۳	۱۱۵	۴۶/۷
		بینابین	۱۲	۱۳/۳	۲۳	۱۴/۷	۳۵	۱۴/۲
		موافق	۴۰	۴۴/۴	۵۶	۴۷/۹	۹۶	۳۹/۰
شناختی	ازدواج سفید باعث پیشرفت اقتصادی بیشتر	مخالف	۳۴	۳۷/۸	۵۳	۳۴/۰	۸۷	۳۵/۴
		بینابین	۱۶	۱۷/۸	۴۶	۲۹/۵	۶۲	۲۵/۲
		موافق	۴۰	۴۴/۵	۵۷	۳۶/۶	۹۷	۳۹/۵
شناختی	راحتی شروع رابطه در ازدواج سفید	مخالف	۳۸	۴۲/۲	۷۱	۴۵/۶	۱۰۹	۴۴/۳
		بینابین	۲۵	۲۷/۸	۴۳	۲۷/۶	۶۸	۲۷/۶
		موافق	۲۷	۳۰/۰	۴۲	۲۶/۹	۶۹	۲۸/۰
شناختی	ازدواج سفید موجب تأخیر در ازدواج رسمی	مخالف	۱۵	۱۶/۶	۱۴	۸/۹	۲۹	۱۱/۸
		بینابین	۱۳	۱۴/۴	۲۸	۱۷/۹	۴۱	۱۶/۷
		موافق	۶۲	۶۸/۹	۱۰۴	۷۳/۱	۱۷۶	۷۱/۵
شناختی	آزادی عمل در ازدواج سفید	مخالف	۵۸	۶۴/۵	۹۳	۵۹/۶	۱۵۱	۶۱/۴
		بینابین	۱۱	۱۲/۲	۲۲	۱۴/۱	۳۳	۱۳/۴
		موافق	۲۱	۲۳/۴	۴۱	۲۶/۳	۶۲	۲۵/۲

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در بُعد شناختی متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید، گویه «من فکر می‌کنم ازدواج سفید باعث تأخیر ازدواج رسمی (شرعی و قانونی) می‌شود»، بیشترین میزان موافق را دارد که این میزان در بین دختران (با ۷۳/۱٪) بیشتر از پسران (با ۶۸/۹٪) است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصدی متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید - بُعد عاطفی

ابعاد نگرش	گویه‌ها (تلهخیص شده)	گزینه	پسر		دختر		کل	
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
ازدواج سفید موجب ترس از جدایی		مخالف	۲۴	۲۶/۷	۴۱	۲۶/۳	۶۵	۲۶/۴
		بینابین	۱۰	۱۱/۱	۱۸	۱۱/۵	۲۸	۱۱/۴
		موافق	۵۶	۶۲/۲	۹۷	۶۲/۲	۱۵۳	۶۲/۲
ازدواج سفید موجب احساس آرامش عاطفی		مخالف	۱۳	۱۴/۴	۳۱	۱۹/۹	۴۴	۱۷/۹
		بینابین	۲۲	۲۴/۴	۳۶	۲۳/۱	۵۸	۲۳/۶
		موافق	۵۵	۶۱/۱	۸۹	۵۷/۱	۱۴۴	۵۸/۵
وابستگی عاطفی کمتر در ازدواج سفید		مخالف	۳۳	۳۶/۷	۵۲	۳۳/۳	۸۵	۳۴/۶
		بینابین	۳۴	۳۷/۸	۶۹	۴۴/۲	۱۰۳	۴۱/۹
		موافق	۲۳	۲۵/۵	۳۵	۲۲/۵	۵۸	۲۳/۵
لذت بخش تر بودن ازدواج سفید		مخالف	۲۰	۲۲/۲	۲۹	۱۸/۶	۴۹	۱۹/۹
		بینابین	۱۹	۲۱/۱	۳۹	۲۵	۵۸	۲۳/۶
		موافق	۵۱	۴۶/۷	۸۸	۵۶/۴	۱۳۹	۵۵/۵
مضطرب کننده بودن ازدواج سفید		مخالف	۳۳	۳۶/۷	۳۸	۲۴/۳	۷۱	۲۸/۹
		بینابین	۱۲	۱۳/۳	۳۰	۱۹/۲	۴۲	۱۷/۱
		موافق	۴۵	۵۰/۰	۸۸	۵۵/۴	۱۳۳	۵۴/۱
احساس تنفر نسبت به ازدواج سفید		مخالف	۴۴	۴۸/۹	۷۱	۴۵/۵	۱۱۵	۴۶/۷
		بینابین	۲۱	۲۳/۳	۴۸	۳۰/۸	۶۹	۲۸
		موافق	۲۵	۲۷/۷	۳۷	۲۳/۷	۶۲	۲۵/۲

جدول بالا نشان می‌دهد در بُعد عاطفی گویه «من این‌طور احساس می‌کنم نداشتن تعهد رسمی در ازدواج سفید برایم ترس از جدایی را به همراه دارد»، بیشترین موافق را دارد که در این میان دختران (۲۶۲٪) و پسران (۲۶۲٪) هر دو به یک میزان دارای دیدگاه موافق در این زمینه بودند.



جدول شماره ۶: توزیع فراوانی و درصدی متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید - بُعد نیت رفتاری

نگرش ابعاد	گویه‌ها (تلخیص شده)	گزینه	پسر		دختر		کل	
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
نیت رفتاری	ترجیح ازدواج سفید به دلیل ازدواج‌های ناموفق اطرافیان	مخالف	۲۲	۲۴/۵	۴۹	۳۱/۴	۷۱	۲۸/۸
		بینابین	۱۹	۲۱/۱	۳۱	۱۹/۹	۵۰	۲۰/۳
		موافق	۴۹	۵۴/۵	۷۶	۴۸/۷	۱۲۵	۵۰/۸
	ترجیح ازدواج سفید به خاطر مسئولیت کمتر	مخالف	۲۲	۲۴/۴	۴۳	۲۷/۲	۶۵	۲۶/۴
		بینابین	۲۲	۲۴/۴	۳۴	۲۱/۸	۵۶	۲۲/۸
		موافق	۴۶	۵۱/۱	۷۹	۵۰/۷	۱۲۵	۵۰/۸
	ترجیح ازدواج سفید در حال حاضر	مخالف	۲۸	۳۱/۱	۲۹	۲۸/۲	۷۲	۲۹/۲
		بینابین	۲۱	۲۳/۳	۴۵	۲۸/۸	۶۶	۲۶/۸
		موافق	۴۱	۴۵/۶	۶۷	۴۳/۰	۱۰۸	۴۵/۹
	قبول کردن پیشنهاد ازدواج سفید	مخالف	۳۲	۳۵/۵	۵۴	۳۴/۶	۸۶	۳۵/۰
		بینابین	۱۳	۱۴/۴	۳۱	۱۹/۹	۴۴	۱۷/۹
		موافق	۴۵	۵۰/۰	۷۱	۴۵/۵	۱۱۶	۴۷/۱
	صبر برای ازدواج رسمی	مخالف	۱۸	۲۰/۰	۲۵	۱۶/۰	۴۳	۱۷/۵
		بینابین	۱۷	۱۸/۹	۳۴	۲۱/۸	۵۱	۲۰/۷
		موافق	۵۵	۶۱/۱	۹۷	۶۲/۲	۱۵۲	۶۱/۸
قطع ارتباط با دوستی که ازدواج سفید کرده	مخالف	۶۴	۷۳/۳	۱۰۹	۶۹/۹	۱۷۵	۷۱/۸	
	بینابین	۱۴	۱۵/۶	۳۵	۲۲/۴	۴۹	۱۹/۶	
	موافق	۱۰	۱۱/۱	۱۲	۷/۷	۲۲	۹/۰	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد در بُعد نیت رفتاری، گویه «اگر یکی از اطرافیانم یا دوستانم با شریک خود ازدواج سفید را تجربه کند، ارتباطم را با او قطع می‌کنم»، بیشترین میزان مخالف (۷۱/۲٪) را به خود اختصاص داده است.

مقایسه بین نگرش دانشجویان دختر و پسر در پاسخ به این گویه حاکی از آن است که دختران (۶۹/۹٪) در مقایسه با پسران (۷۳/۳٪)، بیشترین مخالفت با این گویه را ابراز کرده‌اند.

جدول شماره ۷: توزیع متغیر نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید برحسب جنس

جمع کل	دختر	پسر	جنس
			نوع نگرش به ازدواج سفید
۱/۲	۱/۹	۰	کاملاً مخالف
۱۷/۹	۱۷/۹	۱۷/۸	مخالف
۵۰/۴	۵۰/۶	۵۰	بینابین
۲۸/۹	۲۸/۸	۲۸/۹	موافق
۱/۶	۰/۶	۳/۳	کاملاً موافق
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل
۱/۷۳ - ۴/۱۵			میانگین حداقل/حداکثر نمره
۲/۹۸			میانگین

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد ۳۰/۵٪ افراد موافق و ۱۹/۱٪ مخالف ازدواج سفید بودند و ۵۰/۴٪ نظری بینابینی در مورد آن داشتند. همچنین دانشجویان دختر (۱۹/۸٪) نسبت به دانشجویان پسر (۱۷/۸) بیشتر مخالف ازدواج سفید هستند که این میزان در موافقت دانشجویان پسر نسبت به ازدواج سفید مشهود است (۳۲/۲٪). میانگین نگرش کل به ازدواج سفید ۲/۹۸ از ۵ است.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی و درصد تجربه ازدواج سفید دانشجویان به تفکیک جنس

جمع کل	زن	مرد	جنس
			تجربه ازدواج سفید
۲۳/۶	۱۷/۳	۳۴/۴	بله
۷۶/۴	۸۲/۷	۶۵/۶	خیر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل



نتایج جدول شماره ۸ در خصوص داشتن تجربه ازدواج سفید نشان می‌دهد که ۲۳/۶٪ کل نمونه ازدواج سفید را تجربه نموده‌اند که این تجربه در بین دانشجویان پسر (۳۴/۴٪) نسبت به دانشجویان دختر (۱۷/۳٪) بیشتر است.

جدول شماره ۹: توزیع نسبی اطلاع خانواده از تجربه ازدواج سفید توسط دانشجویان به تفکیک جنس

مطلع بودن خانواده	جنس	مرد	زن	جمع کل
بله		۲۸/۹	۵۱/۹	۴۳/۵
خیر		۷۱/۱	۴۸/۱	۵۶/۵
جمع کل		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۹ نشان‌دهنده اطلاع خانواده افراد از ارتباط ازدواج سفید فرد با دیگران است که دانشجویان پسر (۷۱/۱٪) پنهان‌کاری بیشتری نسبت به دانشجویان دختر (۴۸/۱٪) دارند.

جدول شماره ۱۰: رگرسیون چندگانه تبیین نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید

متغیرها	B	Beta	t	مقدار احتمال (p)	مرتبه صفر	همبستگی		آماره‌های هم خطی	
						تفکیکی	نیمه تفکیکی	ضریب حداقل تحمل	تورم واریانس
پیوند افتراقی	۰/۱۰۶	۰/۲۳۴	۳/۲۹۰	۰/۰۰۱	۰/۲۹۸	۰/۲۰۷	۰/۲۰۰	۰/۷۳۴	۱/۳۶۳
تقویت افتراقی	۰/۰۴۴	۰/۱۳۲	۱/۸۴۱	۰/۰۶۷	۰/۲۴۴	۰/۱۱۸	۰/۱۱۲	۰/۷۲۳	۱/۳۸۴
تقلید	۰/۰۴۸	۰/۰۶۳	۱/۰۲۰	۰/۳۰۹	۰/۰۳۱	۰/۰۶۵	۰/۰۶۲	۰/۹۸۱	۱/۰۱۹
ضریب همبستگی = ۰/۳۲۲	ضریب تعیین $(R^2) = ۰/۱۰۴$	ضریب تعیین تعدیل شده $(R^2_{Adj}) = ۰/۰۹۳$	F = ۹/۳۳۳		p = ۰/۰۰۰				

جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، تنها متغیر پیوند افتراقی دارای تأثیر معناداری بر میزان متغیر وابسته نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید است ($\beta = ۰/۲۳۴$)؛ درحالی‌که تأثیر دیگر متغیرهای مستقل بر نوع نگرش به ازدواج سفید رد شده است.

در خصوص همبستگی تفکیکی متغیر پیوند افتراقی با متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید نیز می‌توان گفت که میزان همبستگی این متغیر بعد از کنترل دیگر متغیرها، از ۰/۲۹۸ به ۰/۲۰۷ تغییر یافته است. در مورد روابط خطی مشترک بین متغیرهای مستقل، نتایج نشان داد که هم مقدار تورم واریانس کمتر از ۱۰ و هم ضریب حداقل تحمل نزدیک ۱ بود؛ لذا همبستگی میان متغیرهای مستقل در حد بسیار بالا نبود و مشکل هم‌پوشانی متغیرهای مستقل نسبت به هم مشاهده نشد.

جدول شماره ۱۱ بر اساس آزمون تفاوت میانگین (t)، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دانشجویان دختر و پسر به لحاظ نوع نگرش به ازدواج سفید در ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی و ازدواج سفید (نگرش کل) وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: آزمون تفاوت میانگین نوع نگرش به ازدواج سفید و ابعاد آن برحسب جنس

متغیرها	جنس	میانگین	t	مقدار احتمال (p)
بُعد شناختی نگرش	پسر	۲۵/۴۲	۰/۶۳۵	۰/۵۲۶
	دختر	۲۵/۰۳		
بُعد عاطفی نگرش	پسر	۲۸/۰۵	۱/۱۸۲	۰/۲۳۹
	دختر	۲۷/۴۶		
بُعد نیت رفتاری نگرش	پسر	۲۵/۱۷	۰/۸۷۷	۰/۳۸۱
	دختر	۲۴/۶۰		
	دختر	-۰/۴۸		
نوع نگرش به ازدواج سفید (نگرش کل)	پسر	۵۶/۳۳	۱/۳۵۶	۰/۱۷۶
	دختر	۵۵/۲۲		

نتایج جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که در دانشجویان پسر، متغیرهای مستقل تنها توان تبیین متغیرهای وابسته نوع نگرش به ازدواج سفید در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری را داشته‌اند؛ اما در دانشجویان دختر متغیرهای مستقل توانستند تغییرات نوع نگرش کل به ازدواج سفید و مؤلفه‌های آن شامل نوع نگرش به ازدواج سفید در بُعد شناختی و نوع نگرش به ازدواج سفید در بُعد نیت رفتاری را تبیین کنند.



جدول شماره ۱۲: رگرسیون چندگانه تبیین متغیر نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید برحسب جنس

مقدار احتمال (p)	F	ضریب تعیین (R ²)	مقدار احتمال (p)	Beta	متغیرهای مستقل	جنسیت	متغیرهای وابسته	
۰/۴۷۵	۰/۸۴۱	۰/۰۲۹	۰/۵۹۰	۰/۰۶۶	پیوند افتراقی	مرد	نوع نگرش به ازدواج سفید (کل)	
			۰/۴۴۹	۰/۰۹۵	تقویت افتراقی			
			۰/۲۷۷	۰/۱۱۹	تقلید			
۰/۰۰۰	۱۱/۱۹۱	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	پیوند افتراقی	زن		
			۰/۰۸۶	۰/۱۵۰	تقویت افتراقی			
			۰/۹۸۵	۰/۰۰۱	تقلید			
۰/۰۰۰	۷/۲۵۹	۰/۰۲۲	۰/۰۱۸	۰/۲۶۹	پیوند افتراقی	مرد		نگرش به ازدواج سفید (بُعد شناختی)
			۰/۰۲۷	۰/۲۵۵	تقویت افتراقی			
			۰/۶۵۹	۰/۰۴۴	تقلید			
۰/۰۰۰	۲۸/۶۲۷	۰/۳۶۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳	پیوند افتراقی	زن		
			۰/۰۰۱	۰/۲۶۲	تقویت افتراقی			
			۰/۱۶۱	-۰/۰۹۲	تقلید			
۰/۰۰۰	۹/۱۶۰	۰/۲۴۲	۰/۰۰۴	-۰/۳۱۹	پیوند افتراقی	مرد	نگرش به ازدواج سفید (بُعد عاطفی)	
			۰/۰۵۰	-۰/۲۲۰	تقویت افتراقی			
			۰/۲۹۹	۰/۱۰۰	تقلید			
۰/۰۷۵	۲/۳۴۹	۰/۰۴۴	۰/۷۹۴	-۰/۲۴	پیوند افتراقی	زن		
			۰/۱۰۵	-۰/۱۵۳	تقویت افتراقی			
			۰/۱۶۷	۰/۱۱۱	تقلید			
۰/۰۰۰	۱۵/۳۲۵	۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۰/۳۹۵	پیوند افتراقی	مرد		نوع نگرش به ازدواج سفید (بُعد رفتاری)
			۰/۰۰۶	۰/۲۸۹	تقویت افتراقی			
			۰/۶۶۱	۰/۰۳۹	تقلید			
۰/۰۰۰	۳۲/۴۰۶	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۶	پیوند افتراقی	زن		
			۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	تقویت افتراقی			
			۰/۷۵۳	۰/۰۲۰	تقلید			

مهم‌ترین یافته جدول شماره ۱۲، مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر نوع نگرش کل به ازدواج سفید بود که به لحاظ آماری در دانشجویان دختر معنادار بود، اما در دانشجویان پسر معنادار نبود. همچنین ضریب تعیین این معادله در میان دانشجویان دختر ۰/۱۸۱ بود که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل ۱۸٪ از تغییرات متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید را تبیین می‌کنند.

از میان متغیرهای وابسته، بیشترین میزان ضریب تعیین، مربوط به متغیر وابسته نوع نگرش به ازدواج سفید در بُعد رفتاری در میان دانشجویان دختر با میزان ۰/۳۹۰ بود. این میزان در بین دانشجویان پسر ۰/۳۴۸ است که در مقایسه با دانشجویان دختر به نسبت قدرت تبیینی کمتری دارد؛ بدین معنا که متغیرهای مستقل به میزان ۳۹٪ در دانشجویان دختر توانستند تغییرات متغیر نوع نگرش به ازدواج سفید در بُعد رفتاری را در میان دانشجویان دختر تبیین کنند، اما تقریباً در دانشجویان پسر به میزان ۳۵٪ این متغیر توانسته است متغیر وابسته تحقیق را تبیین نماید. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت متغیرهای مستقل تحقیق حاضر توانایی خوبی در تبیین متغیر نگرش کل به ازدواج سفید در میان دانشجویان دختر و همچنین ازدواج سفید در بُعد رفتاری در میان هم دانشجویان دختر و هم دانشجویان پسر نمونه تحقیق حاضر را داشتند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در کنار تحولات گسترده در حال رخداد در ابعاد مختلف زندگی بشر، امروزه نهاد خانواده نیز شاهد تحولاتی جدی در خود بوده است. این تحولات در عرصه خانواده در شکل‌های متعددی خود را بروز می‌دهد تا جایی که امروزه در مباحث مربوط به خانواده عنوان «انواع خانواده» مطرح شده است (شکوری و آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۵۱). یکی از مهم‌ترین این تحولات، تحول در ازدواج و تشکیل نوع جدیدی از رابطه به نام ازدواج سفید (هم‌زیستی، هم‌خانگی، زوج‌زیستی، هم‌بالینی، هم‌باشی و...) است.

فرضیه‌های پژوهش حاضر بر مبنای نظریه یادگیری اجتماعی ایگز بنا شده و شامل یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی بود. فرضیه فرعی اول تحقیق دلالت بر این داشت که بین متغیر پیوند افتراقی و نوع نگرش نسبت به ازدواج سفید رابطه مستقیم وجود دارد. این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت؛ بنا بر یافته‌های تحقیق، متغیر پیوند افتراقی قوی‌ترین تأثیرگذاری را در میان متغیرها داشته است.



فرآیند یادگیری رفتار انحرافی، به ارتباط مستقیم و تعاملی با دیگرانی که هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های حامی رفتارهای انحرافی را بیان می‌کنند و همچنین به ارتباط غیرمستقیم با گروه‌های مرجع اشاره دارد.

به اعتقاد ایکرز، مهم‌ترین این گروه‌ها و مهم‌ترین منابع این معاشرت و یادگیری، اعضای اصلی خانواده و گروه دوستان و همسالان هستند؛ اما در کنار این‌ها، در تعامل مستقیم یا غیرمستقیم قرارگرفتن با گروه‌های ثانویه همچون رسانه‌های جمعی، بازی‌های رایانه‌ای اینترنت، فضای مجازی و... نیز به فرآیند یادگیری کمک می‌کند. دوستان، دیگران مهم و اعضای خانواده گروه‌هایی هستند که زمینه اجتماعی را فراهم می‌کنند که در آن فرد در معرض تعاریف، الگوهای تقلید و تقویت افتراقی قرار می‌گیرد. پیوند افتراقی از نظر ترجیح، مدت زمان، تکرار و شدت متفاوت است. ارتباطاتی که زودتر اتفاق می‌افتد (ترجیح)، بیشتر دوام می‌آورند و بیشتر فرد را اشغال می‌کنند (مدت زمان)، بیشتر اتفاق می‌افتند (تکرار) و شامل دیگرانی می‌شوند که فرد رابطه نزدیک و مهم‌تری با آنان دارد (شدت)، تأثیر بیشتری بر رفتار فرد دارند (ایکز و جنسن، ۲۰۰۶: ۳).

نتایج ضرایب رگرسیونی در مورد بُعد شناختی نگرش به ازدواج سفید، نشان داد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق تنها دو متغیر پیوند افتراقی و تقویت افتراقی تأثیر معنادار و مثبتی بر نگرش به ازدواج سفید در بُعد شناختی داشتند. یافته‌های ضرایب رگرسیونی در خصوص بُعد عاطفی نگرش به ازدواج سفید نیز گویای آن بود که از میان متغیرهای مستقل، متغیرهای تقویت افتراقی و تقلید تأثیر معنادار بر میزان نگرش به ازدواج سفید در بُعد عاطفی داشتند. ضرایب رگرسیونی در مورد بُعد نیت رفتاری نگرش به ازدواج سفید نیز نشان‌دهنده این بود که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، متغیرهای پیوند افتراقی و تقویت افتراقی دارای تأثیر معناداری بر نگرش به ازدواج سفید در بُعد رفتاری بودند.

در خصوص تأثیر معنادار متغیر تقویت افتراقی بر ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به ازدواج سفید، می‌توان گفت ایکرز بین دو نوع از تقویت‌کننده‌های اجتماعی و غیراجتماعی تمایز قائل شده و تقویت‌کننده‌های اجتماعی را در بروز یک رفتار مهم تر قلمداد می‌کند. تقویت‌کننده‌های اجتماعی مجموعه‌ای از پاداش‌های باارزش، واقعی و مورد انتظار، ملموس و غیرملموس، مادی و نمادین شامل کلمات، واکنش‌ها، حضور و رفتار افرادی هستند که به‌طور مستقیم موجب تقویت رفتار می‌شوند یا زمینه‌ای را برای تقویت رفتار فراهم می‌نمایند. تقویت‌کننده‌های غیراجتماعی نیز شامل تأثیرات مستقیم مانند تأثیرات فیزیکی مواد مخدر و الکل است (ایکز و همکاران، ۱۹۷۹: ۶۳۸).

مجازات تقویتی ممکن است مستقیم (مثبت) باشد که در آن عواقب دردناک یا ناخوشایند به یک رفتار مربوط می‌شود؛ یا غیرمستقیم (منفی) باشد که در آن یک پاداش یا پیامد خوشایند حذف می‌شود. هرچه مقدار تقویت برای رفتار فرد بیشتر باشد، به طور مکرر تقویت می‌شود و هرچه احتمال تقویت آن بیشتر باشد (به عنوان تعادل در برابر رفتار جایگزین)، احتمال رُخ دادن و تکرار آن بیشتر است (کالن و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۹). برحسب این مؤلفه افراد تصمیم به سبک و سنگین کردن شرایط خود می‌گیرند و در صورتی که تقویت‌کننده‌ها مثبت باشند، می‌تواند نگرش رفتاری فرد نسبت به ازدواج سفید را افزایش دهد و اگر این تقویت‌کننده‌ها منفی باشند باعث کاهش نگرش رفتاری در فرد می‌گردد. به طور مثال، فرد در سن ازدواجی که به دلایلی توانایی اداره یک خانواده را ندارد، ممکن است در دوره‌ای ازدواج (با شرایط سخت) و هم باشی (با شرایط نسبتاً آسان) دست به انتخاب زندگی به صورت ازدواج سفید بزند.

از دیدگاه ایکز (۲۰۰۱)، الگوهای مرجع رفتاری نقش مهمی در ارتکاب فرد به رفتارهای انحرافی دارند؛ اما یافته‌های تجربی این پژوهش از این نظریه حمایت نکرد. در این تحقیق از گروه‌های برجسته برای منبع تقلید استفاده گردید و منابع دیگر از جمله رسانه‌های اجتماعی و... استفاده نشد که می‌توان یکی از دلایل عدم معناداری را همین دانست. همچنین یافته‌های حاکی از آن بود که تفاوت میانگین معناداری میان دانشجویان دختر و پسر به لحاظ نگرش به ازدواج سفید در ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی و ازدواج سفید (کل) وجود ندارد؛ اما تفاوت میانگین معناداری میان دانشجویان دختر و پسر به لحاظ رفتار ازدواج سفید وجود دارد؛ به طوری که دانشجویان پسر بسیار بیشتر از دانشجویان دختر تجربه ازدواج سفید داشته‌اند. این در حالی است که رونتوس و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود یافتند که دانشجویان دختر تمایل دارند بر مرزهای سنتی در حیطه ازدواج غلبه کنند و شکل‌های مدرن‌تری از رابطه (همچون ازدواج سفید) را برای داشتن شریک ترجیح می‌دهند و هم چنین تمایل دارند تصمیم خود را برای ازدواج به تعویق بیندازند.

عدم تطابق یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های خارجی در مورد رفتار ازدواج سفید در میان دانشجویان دختر و پسر را می‌توان به زمینه فرهنگی کشور ایران نسبت داد؛ به این معنا که چون در بافت فرهنگی و دینی ایران تبعات منفی ازدواج سفید (از قبیل احتمال بارداری ناخواسته، سقط جنین، احتمال بالای مرگ و میر مادران در سقط‌های زیرزمینی، خشونت فیزیکی و روانی، عدم حمایت قانونی و...) برای دختران بیشتر از تبعات منفی ازدواج سفید برای پسران است، لذا دانشجویان دختر کمتر از دانشجویان پسر به ازدواج سفید روی می‌آورند.



در اینجا به برخی از دلالت‌های سیاستی مبتنی بر اصول شناختی-رفتاری نظریه یادگیری اجتماعی، برنامه‌های پیشگیری، درمان و توان بخشی در مورد ازدواج سفید اشاره می‌شود. برنامه‌ها و روش‌های کاربردی که قادر به دستکاری تعاریف/نگرش‌ها، پیوندها، تقلید، تقویت/تنبیه یا متغیرهای دیگر هستند، باید در کاهش وقوع تخلفات قانونی و رفتار انحرافی تأثیر داشته باشند (اندروز^۱ و بونت^۲، ۲۰۰۳: ۱۵۶). ازجمله برنامه‌هایی که حداقل تا حدودی بر این فرض استوارند، می‌توان به برنامه‌های درمان گروهی و خودمراقبتی، برنامه‌های همسالان، مداخلات گروهی، برنامه‌های خانواده، مدرسه، دانشگاه، برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری و سایر برنامه‌های خصوصی و عمومی تأدیبی و درمانی اشاره کرد. نظریه یادگیری اجتماعی توجه را به پیامدهای رفتاری الگوهای تعامل در خانواده‌ها هدایت و تأکید می‌کند که انسان‌ها تمایل دارند رفتارهایی را اتخاذ کنند که از والدین خود می‌آموزند. خانواده همچنین اثرات غیرمستقیمی بر بزهکاری از طریق تأثیرگذاری بر جامعه‌پذیری و کنترل رفتاری مستقیم توسط والدین بر ارتباط فرزندانشان با دوستان و همسالان منحرف و موافق، دارد؛ یعنی، هم خانواده و هم همسالان (و همچنین گروه‌های دیگر) در فرآیند پیوند افتراقی با الگوهای همساز و انحرافی دخیل هستند (دیشون^۳ و همکاران، ۱۹۹۲).

همان‌طور که بررسی پیشینه‌های تحقیق نشان داد، ازدواج سفید سبک جدیدی از خانواده است که این سبک زندگی می‌تواند از طریق والدین و همسالان به جوانان انتقال یابد. معیارهای اصلی برنامه‌های موفق در پیشگیری از ازدواج سفید، می‌تواند مشابه معیارهای درمان مجرم باشد. با توجه به برنامه‌های اجراشده، می‌توان گفت رفتار منفی، انحرافی و قانون شکنی در خانواده آموخته می‌شود و تحت شرایط سخت‌تر به تعامل کودک با دیگران خارج از خانواده ازجمله همسالان و معلمان و اساتید می‌انجامد. یکی از این برنامه‌ها، می‌تواند آموزش سبک زندگی سالم به والدین و افراد دارای نقش در پرورش باشد. همچنین جوانان در جلساتی با درمانگران شرکت کنند که بر مهارت‌آموزی در زمینه‌هایی ازجمله سبک زندگی سالم، دوری از رفتارهای پرخطر ارضای جنسی تمرکز دارند. این برنامه‌ها می‌توانند نگرش را تغییر دهند؛ زیرا باعث می‌شوند که سطح مهارت‌های مدیریت خانواده (نظارت والدین، انضباط و تقویت مثبت) افزایش و پیوند با همسالان منحرف کاهش یابد (چمبرلین^۴ و همکاران، ۲۰۰۲).

1. Andrews
2. Bonta
3. Dishon
4. Chamberlain

از طرف دیگر درحالی که در جوانی تأثیرات خانواده نسبتاً کاهش می یابد و گروه های همسالان نقش بسزایی در یادگیری سازگاری و رفتار انحرافی ایفا می کنند، هم برای جوانان و هم برای بزرگسالان، پیوند افتراقی با همسالانی که مرتکب ازدواج سفید می شوند و آن را تأیید می کنند، به غیر از رفتار قبلی، قوی ترین ارتباط و بهترین پیش بینی کننده این نوع رفتار است. از جمله دلالت های سیاستی دیگر می تواند این باشد که ارتباطات فرد (شخصی که به ازدواج سفید متمایل است) با افراد هم باش که فرد را در معرض (محیط) چنین رفتارهای منحرفانه ای قرار می دهند، محدود شود و تحت کنترل قرار گیرند. مطابق یکی از دلالت های سیاستی نظریه یادگیری اجتماعی، در محیطی که فرد رفتارهای منحرفانه ای همچون ازدواج سفید را فرامی گیرد، می باید از طریق برنامه های بازدارنده و الگوهای جامعه پذیری مجدد و قطع پیوندهای افتراقی با افراد هم باش، به بازپروری و جامعه پذیری مجدد اشخاص در مسیر دلخواه اقدام کرد (براون^۱ و همکاران، ۲۰۰۵).

برنامه دیگر بر پایه تقویت افتراقی و تغییر رفتار مجرمانه، پاداش برای تأسیس خانواده قانونی بر اساس موازین رسمی، از طریق تقویت مثبت این سبک زندگی و در عوض تنبیه و سلب حقوق قانونی کسانی است که در قالب ازدواج سفید زندگی می کنند. این دلالت های سیاستی به طور خاص تغییر ارزش های ضداجتماعی و توجیه ازدواج سفید را می توانند هدف قرار دهند و برای نگرش ها و رفتارهای سالم خانوادگی پاداش در نظر گیرند (همان). برنامه دیگر پیشنهادی بر اساس این نظریه، برنامه هایی برای جوانان در گروه همسالان و فعالیت های فردی است که برای توسعه باورهای اجتماعی در مورد رفتارهای سالم، آموزش مهارت های زندگی سالم، باورهای سالم و استانداردهای روشن در مورد خانواده طراحی شده اند. این برنامه ها با بُعد تعاریف در ارتباط است. تعاریفی که رفتارهای خاص را پشتیبانی می کنند، به عنوان تعاریف شناخته می شوند. تعاریف، می توانند به عنوان شکلی از شناخت دیده شوند که برنامه ریزان در حوزه کاهش آسیب های مربوط به بخش ازدواج سفید، به آن ها پردازند. برخی از برنامه های عدالت ترمیمی، رویکردهای مبتنی بر ایمان هستند که می خواهند تغییرات معنوی و اعتقادی مطلوب را با همان هدف کلی تغییرات اجتماعی در رفتار، تعامل اجتماعی، الگوهای فکری و نگرش ها به عنوان برنامه های مبتنی بر دین ایجاد کنند (ایکرز و همکاران، ۲۰۰۹).

1. Brown



منابع

- آزادارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱). هم خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۳(۱)، ۷۸-۴۳.
- احمدوندشاهوردی، محمد، پورحسین، رضا و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۴۰۰). واکاوی پدیدارشناسانه هم‌باشی (ازدواج سفید) مورد مطالعه: جوانان شهر تهران. رویش روان‌شناسی، ۱۰(۱۱)، ۵۰-۳۹.
- اعتمادی فرد، سیدمهدی و حسینی، غزاله (۱۳۹۸). قواعد و ضرورت‌های نظام خانواده در ایران از خلال بروز تغییرات و نابهنجاری (با تأکید بر هم‌باشی به مثابه نوعی آسیب در خانواده). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۸(۳)، ۴۶۰-۴۳۳.
- آقایی، مجید (۱۳۹۸). واکاوی جرم‌شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۶)، ۱۴۵-۱۱۳.
- امجدی، فرزانه؛ شکرپیگی، عالیه و معدنی، سعید (۱۳۹۹). برساخت اجتماعی ازدواج سفید. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۴(۲-۱)، ۹۸-۶۷.
- امیدوار، پوران، دانش، پروانه، زاهدی‌مازندرانی و محمدجواد (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی پدیده هم‌باشی از منظر روحانیون و جامعه‌شناسان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۱(۳)، ۷۳۳-۷۰۳.
- حسینی، ناهید، سیدمیرزایی، سیدمحمد و ساروخانی، باقر (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه: شهر تهران). تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۱۸(۷۱)، ۴۲-۲۲.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکیه (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه بیز. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۵)، ۳۶۴-۳۳۹.
- زاهدی اصل، محمد؛ فتحی، منصور و محمدزاده، رقیه (۱۴۰۰). تجارب و چالش‌های دانشجویان دختر با سابقه هم‌خانگی. رفاه اجتماعی، ۲۱(۸۰)، ۳۰۹-۲۷۵.
- شکوری، علی و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۱). مدرنیته و خانواده تهرانی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱(۳۱-۳۰)، ۲۶۸-۲۴۵.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ ملک‌دار، اعظم و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۳). تخلفات رایانه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه مازندران: آزمون تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایگز. جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۲)، ۵۶-۲۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر و حیدری، حمید (۱۳۹۱). کاربرد تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایگز در مطالعه رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان. جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۲-۱)، ۳۰-۳.
- کریمی، یوسف (۱۴۰۱). روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌های، مفاهیم، کاربردها). چاپ سوم، تهران: ارسباران.
- گلچین، مسعود و صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۱)، ۵۷-۲۹.
- مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۳۹۵). <https://ircud.ir/fa/content/283625>.
- مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۳۹۷). <https://ircud.ir/fa/content/284116>.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد و بهرامی، گیتی (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده هم‌باشی. مددکاری اجتماعی، ۶(۲)، ۴۲-۳۵.

- وهابی زاده، خدیجه (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- Akers, R. L., & Jennings, W. G. (2019). The social learning theory of crime and deviance. *Handbook on crime and deviance*, 113-129.
- Akers, R. L. (2017). *Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance*. Routledge.
- Akers, R. L., & Jennings, W. G. (2009). Social learning theory. In J. M. Miller (Ed.), *21st century criminology: A reference handbook*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Akers, R., Jensen, G. (2006). Empirical status of social learning theory of crime and deviance: The past, present, and future. *Taking Stock: The Status of Criminological Theory*, 19, 1-61.
- Akers, R. (2001). Social learning theory. *American Sociological Review*, 5, 1-32.
- Akers, R. (1990). Rational choice, deterrence, and social learning theory in criminology, the path not taken. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 81-653-676.
- Akers, R. L. (1985). *Deviant Behavior: A Social Learning Approach*, Belmont, CA: Wadsworth. Akers, R. L. (1992). *Drugs, Alcohol, and Society*. Belmont, Calif.: Wadsworth.
- Akers, R.; Kyohn, M.; Lanza-Kaduce, L., Radosevich, M. (1979). Social learning and Deviant behavior: A specific test of general theory. *American sociological Review*, 44, 636-655.
- Andrews, D. A., & Bonta, J. (2003). *The Psychology of Criminal Conduct*, 3rd ed., Cincinnati: Ohio. Anderson Publishing. reconviction in a sample of UK child abusers. *Sexual abuse: A Journal of research and treatment*, 14, 155-167.
- Barber, J. S., Axinn, W. G. (1998). Gender roles attitudes and marriage among young women. *The Sociological Quarterly*, 39(1), 11-31.
- Blakemore, J. E. O., Lawton, C. A., Vartanian, L. R. (2005). I can't wait to get married: Gender differences in drive to marry. *Sex Roles*, 5(5), 327-335.
- Brown, E. C., Catalano, R. F., Fleming, C. B., Haggerty, K. P., Abbott, R. D., Cortes, R. R., Park, J. (2005). Mediator effects in the social development model: An examination of constituent theories. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 15(4), 221-235.
- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B., Nelson, L. J., Madsen, S., Barry, C. M. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among young adults. *Journal of Adolescent Research*, 24(3), 349-375.
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., Madsen, S. D. (2007). So close, yet so far away: The impact of varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22(3), 219-247.
- Chaiken, Shelly (1980). Heuristic versus systematic information processing and the use of source versus message cues in persuasion. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39(5), 752-766.
- Chamberlain, P., Fisher, P. A., & Moore, K. (2002). Multidimensional treatment foster care: Applications of the OSLC intervention model to high-risk youth and their families. In J. B. Reid, G. R. Patterson, & J. Snyder (Eds.), *Antisocial behavior in children and adolescents:*



- A developmental analysis and model for intervention (pp. 203-218). American Psychological Association.
- Cullen, F. T., Agnew, R., & Wilcox, P. (2018). *Criminological theory: Past to present: Essential readings*. New York: Oxford University Press.
- De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (2021). Attitudes of young adults toward marriage and divorce, 2002-2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(1), 66-82.
- Dishion, T. J., Patterson, G. R., & Kavanagh, K. A. (1992). An experimental test of the coercion model: Linking theory, measurement, and intervention. In J. McCord & R. E. Tremblay (Eds.), *Preventing antisocial behavior: Interventions from birth through adolescence* (pp. 253-282). Guilford Press.
- Florida, R., Hollinger, R. (2016). Social Learning Theory and the training of retail loss prevention officers. *Security Journal*. 30, 1013-1026.
- Hewitt, B. A. (2006). 'Trial Marriage': Is premarital cohabitation an effective risk minimisation strategy for marriage breakdown? Paper Presented to Social Change in the 21st Century Conference, 27 October 2006, Carseldine. Retrieved from <https://eprints.qut.edu.au/6134>.
- Horowitz, J; Graf, Nikki, L, Gretchen. (2019). Marriage and cohabitation in the U.S. Pew research center social and demographic trends, 6,1-10.
- Jennings, A. M., Salts, C., Smith, T. A. (1992). Attitudes toward marriage: Effects of parental conflict, family structure, and gender. *Journal of Divorce and Remarriage*, 17(1/2), 67-80.
- Katsurada, E., Sugihara, Y. (2002). Gender-role identity, attitudes toward marriage and gender-segregated school backgrounds. *Sex Roles*, 47(5), 249-258.
- Kiernan, K. (2001). The rise of cohabitation and childbearing outside marriage in western Europe. *International Journal of Law, Policy and the Family*, 15,1-21.
- Kim, H. S., Jung, Y. M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8(19),8-1 .
- Kline, G. H., Stanley, S. M., Markman, H. J., Olmos-Gallo, P. A., St Peters, M., Whitton, S. W., & Prado, L. M. (2004). Timing is everything: Pre-engagement cohabitation and increased risk for poor marital outcomes. *Journal of Family Psychology*, 18(2), 311.
- Kreidl, M., & Zillnikova, Z. (2021). How does cohabitation change people's attitudes toward family dissolution?. *European Sociological Review*, 37(4), 541-554.
- Lawal, M. (2020). Relationship satisfaction in cohabiting university students: Evidence from the role of duration of cohabitation, lone lines and sex-life satisfaction. *Vulnerable Children and Youth Studies*, 9,1-12.
- Lee, C. (2013). *Deviant Peers, opportunity and cyberbullying: A theoretical Examination of a new Deviance*, A thesis submitted in Partial fulfillment of the Requirement of criminology and criminal justice. Department of criminology and criminal justice in the graduate school southern illionis university cabondale, 5, 1-33.
- Lersch, k. (1999). Social lerning theory and academic dishonesty. *International journal of*

- comparative and applied criminal justice, 23(1), 114-123.
- Lichter, D. T., Turner, R. N., & Sassler, S. (2010). National estimates of the rise in serial cohabitation. *Social Science Research*, 39(5), 754-765.
- Huang, Y. C., Lin, S. H. (2014). Attitudes of Taiwanese college students toward marriage: A comparative study of different family types and gender. *Journal of Comparative Family Studies*, 45(3), 438-425
- Manning, W. D. (2020). Young adulthood relationships in an era of uncertainty: A case for cohabitation. *Demography*, 57(3), 799-819.
- Murrow, C., & Shi, L. (2010). The influence of cohabitation purposes on relationship quality: An examination in dimensions. *The American Journal of Family Therapy*, 38(5), 397-412.
- Naquin Jr, M. J. (1959). Criminal Law-Miscegenation-Definition of Cohabitation. *Louisiana Law Review*, 19(3), 699-705.
- Reich, J. A. (Ed.). (2020). *The state of families: law, policy, and the meanings of relationships*. Routledge.
- Rindfuss, R. R., VandenHeuvel, A. (2019). Cohabitation: A precursor to marriage or an alternative to being single? In *The changing American family* (pp. 118-142). Routledge.
- Rontos, K., Roumeliotou, M., Salvati, L., & Syrmali, M. E. (2017). Marriage or cohabitation? A survey of students' attitudes in Greece. *Demografia English Edition*, 60(5), 5-31.
- Sassler, Sh, T. Lichter, D. (2020). Cohabitation and marriage: complexity and diversity in union- for mation patterns. *Journal of Marriage a Family*, 82,35-61.
- Sassler, S. (2010). Partnering across the life course: Sex, relationships, and mate selection. *Journal of marriage and family*, 72(3), 557-575.
- Stepler, R., 2017. Number of U.S. adults cohabiting with a partner continues to rise, especially among those 50 and older. United States of America. Retrieved from <https://policycommons.net/artifacts/617954/number-of-us/1598835/> on 26 Jan 2024. CID: 20.500.12592/cnqs16.
- Warr, M. (2002). *Companions in crime: The social aspects of criminal conduct*. Cambridge University Press.
- Willoughby, B. J., Olson, C. D., Carroll, J. S., Nelson, L. J., Miller, R. B. (2012). Sooner or later? The marital horizons of parents and their emerging adult children. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(7), 967-981.